

ارزیابی رویکرد رجالی آیت الله بروجردی

مجید معارف^۱، مریم عسکری پرور^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۷/۲۲ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۹/۸)

چکیده

آیت الله بروجردی فقیهی رجالی است که نگاهی ژرف‌اندیشانه به مسأله حدیث و اسناد دارد، ایشان آثاری در علم رجال دارند. علاوه بر تقریرات فقهی ایشان که شمه‌ای از توانایی‌های عالمانه وی را در حدیث پژوهی بازگو کرده است، کتاب ارزشمند «الموسوعه الرجالیه» برخی از دیدگاه‌های رجالی ایشان را پیش روی ما قرار می‌دهد. با توجه به اینکه؛ بررسی سبک‌های مختلف رجالی و تحلیل و بررسی آن‌ها به عنوان یکی از ابزار استنباط احکام شرعی می‌تواند زمینه توسعه و گسترش علم رجال و رسیدن به معرفت ژرف کاوانه را فراهم آورد، لذا در این جستار با مراجعه به آثار بر جای مانده از آیت الله بروجردی و تقریرات فقهی و اصولی ایشان؛ با روش توصیفی - تحلیلی و تکیه بر اسناد کتابخانه‌ای به بررسی و تحلیل رویکرد رجالی ایشان پرداخته‌ایم. اهم مبانی ایشان در شناخت راوی عبارت است از اعتقاد به ضرورت علم رجال در شناخت راویان، عدم اعتقاد به اصل انسداد در اثبات عدالت راوی، اعتقاد به اعتبار کتب رجالی متقدمان به عنوان اسناد معتبر علمی، اعتقاد به کافی نبودن کتب اربعه برای شناخت و معرفی راویان، میزان نقل روایت؛ قرینه‌ای در شناخت راوی، اعتبار اجماع متقدمین و مشایخ ثقات و... همچنین با پیجویی آثار این فقیه رجالی مشاهده می‌کنیم که روش ایشان در جرح و تعدیل روایات عبارت است از: نگاه تاریخی به اسناد، اولویت رجوع به کتب اربعه نسبت به سایر متون، جامع‌نگری در نقل اقوال علمای رجال، اعتماد به گزارش‌های رجالیان و اقوال و استنادات علمای اعلام و... .

کلید واژه‌ها: آیت‌الله سیدحسین بروجردی، علم رجال، روش، رویکرد، مبانی، الموسوعه الرجالیه، ترتیب اسانید.

maaref@ut.ac.ir

۱. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)؛

m.asseman123.a@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری دانشکده اصول الدین، واحد تهران، ایران؛

۱- بیان مسأله

با توجه به فاصله چند قرنی تا عصر راویان؛ امروز مرسوم‌ترین راه شناخت راویان از طریق کتب و منابع مکتوب برجای مانده است از این‌رو شناخت و بررسی منابع رجالی ابزاری مهم در بازشناسی راویان و استفاده از کتب حدیثی به‌شمار می‌آید. یکی از شخصیت‌های معاصر شیعه که دارای مبانی ویژه‌ای در علم رجال می‌باشد آیت الله بروجردی است، ایشان کتابهایی در این زمینه دارد که با بررسی آنها مبانی، روشها و به طور کلی رویکرد رجالی وی استخراج می‌شود. در این مقاله، به روش توصیفی-تحلیلی، در حد اختصار به تبیین موضع رجالی این دانشمند حدیث‌شناس پرداخته و درصدد یافتن پاسخی به این پرسش‌های اساسی هستیم که مبانی ویژه آیت الله بروجردی در علم رجال چیست؟ و ایشان با استفاده از کدام روش به بررسی‌های رجالی می‌پردازد و به طور کلی رویکرد رجالی ایشان چیست؟

۲- آیت الله بروجردی؛ آثار و دیدگاه‌های رجالی

روش‌شناسی براساس آثار و کتب مستقلى که در حوزه رجال نگاشته شده و استخراج مبانی و سبک رجالی اندیشمندان رجالی؛ ضرورتی است که علاوه بر ایجاد زمینه برای فهم عملکرد آنها و توسعه و گسترش علم رجال؛ زمینه آشنایی با منابع و اسناد علمی و شیوه‌های استفاده از آنها را فراهم کرده و راهی برای رسیدن به معرفت ژرف کاوانه و تکاپویی روشمند برای نظریه‌پردازی در علم رجال به‌شمار می‌آید. تاکنون تحقیقاتی در خصوص دیدگاه‌های رجالی مرحوم بروجردی صورت گرفته اما در مقایسه با برخی رجالیان معاصر که آثار بسیاری در تبیین دیدگاه‌های ایشان به قلم نگارش درآمده بسیار اندک بوده و رویکرد رجالی ایشان را به‌طور کامل پیش روی مخاطب قرار نمی‌دهد لذا می‌توان پژوهش‌های گسترده‌تر و تکمیلی در خصوص مبانی و روش رجالی ایشان صورت

داد. موضوعی که در این مقاله مورد بحث و تأمل است؛ بررسی مبانی و روش رجالی آیت الله بروجردی از طریق واکاوی آثار رجالی این عالم رجالی می‌باشد. جهت نیل به این هدف ناگزیر به ذکر مقدماتی هستیم که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

۲-۱. معرفی شخصیت علمی آیت الله بروجردی

سیدحسین طباطبایی بروجردی از مراجع تقلید جهان تشیع و زعیم حوزه علمیه قم بود که در اواخر سال ۱۲۹۲ هجری قمری در شهرستان بروجرد دیده به جهان گشود. علوم دینی را در اصفهان و نجف نزد اساتید بزرگی چون میرزا ابوالمعالی کلباسی، سیدمحمدتقی مدرس، سیدمحمدباقر درچه‌ای، جهانگیرخان قشقایی، آخوند کاشی، آخوند خراسانی، شیخ الشریعه اصفهانی و سیدکاظم یزدی فراگرفت و به درجه اجتهاد رسید.^۱ دوران زندگی او سراسر به کسب علم و دانش و تربیت شاگرد و تألیف آثار ارزشمند علمی سپری شد، ایشان بخش مهمی از عمر پر برکت خود را صرف دو علم مهم حدیث و رجال کرد. (واعظزاده، ۹۷-۱۰۳) به گفته شاگردان، شخصیت علمی و فکری و ذهنی مرحوم آیت الله بروجردی را سه چیز تشکیل می‌داد: خوش فهمی، حافظه قوی و نیرومند و قدرت تحلیل. (سبحانی، سیمای فرزندگان، ۸) این خصوصیات از وی شخصیتی جامع در علوم اسلامی ساخته بود که منشأ خدمات ارزنده‌ای به جامعه دینی شد. او یک فقیه اصولی بود که نگاه خاص و ویژه‌ای به علم رجال داشت و آن را جزو مقدمات اجتهاد می‌دانست. به جهات سندی توجه‌ای ویژه داشت و بر این عقیده بود که مشکلات رجالی از داخل خود اسانید به دست می‌آید. بررسی سند و شناخت راویان حدیث را که تا آن زمان بیشتر جنبه تقلیدی داشت از حالت تقلیدی به صورت اجتهادی درآورد و با نگارش دو دوره کتاب و تفکیک سند احادیث و گنجاندن راویان در یک چارچوب و ساختار نوین و تعیین طبقات هر دوره

۱. برای مطالعه بیشتر نک: علوی، محمدحسین، خاطرات زندگی آیت الله بروجردی و نک: دوانی، علی؛ زندگی‌نامه زعیم بزرگ عالم تشیع آیت الله بروجردی.

تا زمان معاصر و گسترش مبانی رجالی؛ این مسئله را عملی ساخت.^۱

۲-۲. آثار رجالی آیت الله بروجردی

سیدحسین طباطبائی بروجردی، از جمله شخصیت‌های علمی است که در طول عمر با برکت خود با قلم و تالیف سروکار داشت. ایشان در رشته‌های مختلف علوم اسلامی همچون فقه، حدیث، علم اصول و ... دارای آثار ارزشمندی است.^۲ در این تحقیق مجالی برای ذکر تمامی آثار این عالم بزرگ نیست اما بنا به فراخور موضوع مقاله به برخی از آثار ایشان که رویکرد رجالی آیت الله بروجردی را در این مقاله پیش روی ما قرار داده است، اشاره میشود؛

۱. کتاب‌های رجالی آیت الله بروجردی همچون مجموعه ارزشمند «الموسوعه الرجالیه»^۳، «تعلیقه علی منهج الرجال للمیرزا محمد الاسترآبادی»، «رساله حول سند الصحیفه السجّادیّه»، «رساله فی ترجمه بعض اعظام اسرته و اجداده» و یا «اصلاح و مستدرک رجال شیخ طوسی».

۲. تقریرات رجالی که عمدتاً توسط شاگردان طراز اول آیت الله بروجردی همچون آیت الله لنکرانی، شیخ علی پناه اشتهاوردی و آیت الله صافی گلپایگانی به رشته تقریر درآمده‌اند که از جمله می‌توان به نهایه التقرير، بدر الزاهر، تبیان الصلاه و تقریرات صلاه اشاره کرد.

۳. سایر کتاب‌های غیر رجالی همچون کتب فقهی و اصولی که بعضاً حاوی برخی نکات رجالی می‌باشد.

۱. برای مطالعه بیشتر نک: ایزدپناه، چشم‌وچراغ مرجعیت؛ مصاحبه‌های ویژه مجله حوزه با شاگردان آیت الله بروجردی، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۸، ص ۱۳.

۲. آثار آیت الله بروجردی را در زمینه‌های مختلف نک: محمدرضا حسینی جلالی، ۱۲۹۲-۱۳۸۰ه، مقدمه

۳. در این مجموعه ارزشمند، مؤلف به ذکر روایان حدیث و سلسله سند مهمترین منابع حدیث شیعه همچون تهذیب، کافی، من لایحضر و... به صورت الفبایی می‌پردازد. در بخش رجال اسانید، تمام رجال سلسله سند فهرست شده و طبقات رجال احادیث کتابهای مورد نظر ارائه می‌شود. این کتاب در سال ۱۴۱۴ ق توسط بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی به چاپ رسیده است.

از آنجایی که تقریرات رجالی به واسطه شاگردان آیت الله بروجردی به رشته تحریر درآمده و به دست ما رسیده‌اند در ارجاع به تقریرات در این نوشتار، نام واسطه‌های نقل آرای رجالی آورده می‌شود.

۳- اصطلاح‌شناسی رویکرد رجالی و مؤلفه‌های آن

۱-۳. رویکرد رجالی: منظور از رویکرد رجالی در این نوشتار در درجه اول مبانی و در درجه دوم روش و ابتکارات رجالی آیت الله بروجردی است. البته در این مقاله جهت اختصار به مبانی و روشها پرداخته شده است.

۲-۳. مبانی: مبانی در هر علمی آن قضایایی هستند که مسائل و در نتیجه آرای ارائه شده در آن علم بر آن بنا می‌شوند و مبانی حجیت آرای رجالی که گاهی به اختصار از آنها به مبانی رجالی یا مبانی آرای رجالی یاد می‌شود؛ آن دسته از قضایای کلی هستند که بر پایه آنها رای رجالی به دست می‌آید. (صرامی، ۱۷)

۳-۳. روش: منظور از روش در این نوشتار مجموعه قواعدی است که در بررسی شخصیت راوی به کار می‌رود.

۴- مبانی رجالی آیت الله بروجردی

آیت الله بروجردی به عنوان فقیهی اصولی در بحث بررسی سند دارای ضوابط و معیارهایی است که به صورت ذیل قابل بیان هستند:

۴-۱. اعتقاد به ضرورت علم رجال در شناخت احوال راویان

جایگاه دانش رجال و میزان ضریب‌دهی به آن در تنقیح احادیث و استخراج احکام الهی ریشه در نگاه معرفت‌شناسانه و فلسفی عالم رجالی به این دانش دارد و میزان اعتنا به علم رجال و نقش‌دهی به آن در اعتبارسنجی روایات، همواره مورد اختلاف دانشمندان شیعی بوده است.

عالمان اخباری با تصحیح و تایید همه روایات خصوصا روایات کتب اربعه و اعتماد به همه محدثان و مولفان منابع روایی منکر ضرورت نیاز به علم رجال شده و در مقابل عالمان اصولی مسلک با بیان استدلال‌های خود، ضرورت و نیاز به علم رجال را مورد تأکید قرار می‌دهند. (سبحانی، کلیات فی علم رجال، ۲۱-۲۹)

گروهی که از آن‌ها به موثق السندی یاد می‌شود، بررسی سندی را تنها محور اعتبارسنجی پنداشته و گروه دیگر که در اصطلاح به آن‌ها موثق الصدوری می‌گویند آن را تنها عضوی از مجموعه دانش‌های اعتبارسنجی دانسته‌اند چراکه معتقدند با روش اعتبار سندی صرف، لازم است روایات زیادی کنار گذاشته شده و در نتیجه بسیاری از مسائل مستحدثه بی‌جواب می‌ماند.^۱

بررسی آثار و نظرات آیت الله سید حسین بروجردی نشان می‌دهد که ایشان در این زمینه رویکرد و مشی اصولیون را دارد به طوریکه علم رجال را از لوازم شناخت حدیث صحیح دانسته و در این زمینه نیز تقلید را جایز نمی‌داند. در حقیقت مبنای اصلی ایشان در شناخت راوی براساس اجتهاد و توثیق مستنبط از جمع قراین است. از نگاه وی جمع آوری شواهد و قراین بر وثاقت راوی در صورتی که موجب علم یا اطمینان به وثاقت راوی شود، روشی اجتهادی و اطمینان‌آور است.

براساس این دیدگاه، اعتماد یا عدم اعتماد به گزارش راویان از قواعد حجیت خبر پیروی می‌کند. یعنی هر خبری که محفوف به قرائن باشد و صدور آن از معصوم احراز شود حجت است و ملاک در حجیت خبر نیز تنها سند آن نیست بلکه می‌توان از قرائن دیگری چه از متن روایت و یا خارج از روایت به صدور روایت از معصوم پی برد، حال روایت چه دارای سند باشد و یا بدون سند ولی قرائن دیگری وجود دارد که انتساب آن را به معصوم تایید می‌کند. (لنکرانی، سبک شناسی علمی تفصیل الشریعه، ۲۳۸)

۱. برای مطالعه بیشتر نک: ربانی بیرجندی، محمدحسن، وثوق صدوری و وثوق سندی و دیدگاهها، فقه، بهار و تابستان ۱۳۷۸، شماره ۱۹ و ۲۰.

۴-۲. اعتقاد به اصل انسداد به عنوان دلیلی بر حجیت خبر واحد

اعتقاد یا عدم اعتقاد به انسداد باب علم و دلیل آن نقش مهمی در رویکرد رجالی یک عالم رجالی دارد. آیت الله بروجردی دلیل انسداد را از نظر تاریخی ریشه‌یابی و برخلاف کسانی که آن را دلیل بر حجیت ظن مطلق می‌دانند، دلیل بر حجیت خبر واحد می‌دانست و لذا باب اجتهاد را در علم رجال باز می‌دانست و دارای مبانی اجتهادی در شناخت راوی بود. اگرچه برخی از مبانی مورد پذیرش مرحوم بروجردی در شناخت راوی با برخی اندیشمندان رجالی مشترک است اما سبک و سیره کلی ایشان در علم رجال که مبتنی بر کشف شواهد و قراین از طریق تسلط بر اسناد و طبقات است؛ شیوه‌ای اجتهادی به شمار می‌آید و برخلاف بسیاری از محققان، تنها راه اثبات وثاقت یا ضعف روات را مراجعه به توثیق یا تضعیف علمای رجال و تقلید از نظرات آنها نمی‌داند.

به نظر آیت الله بروجردی بنای عقلا بر پذیرش مطلق خبر ثقه است اما در خبر قابل احتجاج به شرایط و قیودی قائل بود. از این رو خبر واحد را با سه شرط وثاقت راوی، ضبط و سداد راوی و عدم شذوذ روایت و عدم اعراض از آن معتبر می‌دانست. (منتظری، بدرالزاهر، ۵۱۷ و ۵۲۶)

۴-۳. اعتقاد به اعتبار کتب رجالی متقدمان به عنوان اسناد معتبر علمی

در بررسی‌های صورت گرفته اظهار نظر دقیق و مستقیم در خصوص کتب رجالی متقدمان از آیت الله بروجردی یافت نشد اما در جای جای آثار ایشان استناد به کتب نجاشی، طوسی، صدوق و... به وفور دیده می‌شود. اینکه در بسیاری از مواقع برای اثبات و تکمیل نظریه‌های خود به مولفات رجالی اولیه استناد کرده نشان می‌دهد که اجمالا به آنها اعتماد داشته و در صورت سازگاری با سایر داده‌های رجالی به آنها استناد کرده است. به عنوان مثال در خصوص بررسی راویان یک سند به این نکته اشاره می‌کند که طبق آنچه از کتب رجالی برمی‌آید، همه روات این خبر ثقه هستند. (اشتهدری، تقریر بحث السید بروجردی، ۵۰۸)

۴-۴. اعتقاد به کافی نبودن کتب اربعه برای شناخت و معرفی راویان

به تصریح مرحوم بروجردی در درس فقه خود و مقدمه کتاب ترتیب اسناد الکافی؛ کتاب‌های رجال دانشنامه رجالی نیستند که مولفان آنها با هماهنگی تمام راویان را توثیق کرده باشند و یک راوی از دست آنها خارج نشده باشد، بلکه آنها هر کدام درصدد تالیفی خاص بوده‌اند؛ کشی درصدد تالیف کتابی بوده که توثیقات معصومان را گردآوری کند. نجاشی فهرست مصنفان را گردآورده و در ضمن آن برخی را که اهل تصنیف نبوده‌اند ذکر کرده است. مرحوم شیخ طوسی در الفهرست طرق روایاتی را آورده که در المشیخه نیاورده است و کتاب رجال شیخ هم مسودات شیخ بوده که می‌خواسته آن را در آینده تکمیل کند به همین سبب در مورد برخی راویان هیچ نکته‌ای ذکر نکرده است. (نک: بروجردی، مقدمه کتاب ترتیب اسناد الکافی)

با این نگاه وی کتاب‌های رجال و اقوال علمای رجال را یکی از مصادر شناخت ضعف و وثاقت راوی می‌دانست، نه آن‌که تنها راه باشد و لذا عدم ذکر نام یک راوی در این کتب را سبب عدم اعتنا به روایت وی نمی‌دانست و از رهگذر اسناد روایات به شناخت راویان می‌پرداخت.^۱

۴-۵. اعتقاد به میزان نقل روایت به عنوان قرینه‌ای در شناخت راوی

میزان نقل روایات یک راوی به عنوان یکی از قرائین مورد توجه مرحوم بروجردی در اعتبارسنجی روایات بسیار اهمیت داشت.

به عنوان مثال درباره توثیق احمد بن محمد بن یحیی در بحث از سند روایتی بعد از بیان مفصلی در این که کتب فهرست و رجال موجود شامل تمامی راویان نیست گفته است: مناقشه در مثل این سند مجالی ندارد، چون وثاقت وی از روایت صدوق و شیخ از او مخصوصاً با کثرت روایاتش استفاده می‌شود، از آنجا که او به اجازه پدرش راوی کتب وی

۱. برای مطالعه بیشتر نک: لنگرانی، نه‌ایه التقرير، ۲۳۱/۳ و نیز نک: سبحانی، کلیات فی علم الرجال، ص ۳۵۸.

بوده اما خود کتاب نداشته است، در کتبی مثل فهرست نجاشی مذکور نیست. (لنکرانی، نهاییه التقرير، ۲/۲۲۸)

همچنین در مورد زید نرسی می‌گوید: «از او در کتاب‌های جوامع متقدمان چند روایت خاص بیشتر نقل نشده و این نشانه آن است که او مورد اهتمام مشایخ نبوده» (ربانی، ۳۳۱) بنابراین قرائتی همچون عمل متقدمان به روایت راوی اگرچه درباره او توثیقی نرسیده باشد یا میزان کثرت نقل روایات او اگر چه درباره او توثیقی نرسیده باشد مثل ابراهیم بن هاشم و سهل بن زیاد را موجب حجیت روایت می‌داند. (لنکرانی، سبک‌شناسی علمی تفصیل الشریعه، ۲۴۹-۲۵۰)

۴-۶. اخذ روایت از راویان شناخته شده؛ نشانه وثاقت راوی

اخذ روایت راوی از راویان شناخته شده و عرضه آن بر راویان شناخته شده، یکی از نشانه‌های وثاقت راوی نزد برخی رجالیان همچون مرحوم بروجردی است که از طریق آن می‌توان شخصیت راویان و میزان علمیت و وثاقت آنها را شناخت.

همانطور که این تعبیر درباره برخی از راویان وارد شده که خیلی به این مسأله اهتمام نمی‌دادند از چه کسانی روایت کنند یا به فصاحت و بلاغت روایات و اضطراب نداشتن آن اهمیت نمی‌دادند، همچون روایات مسعده بن صدقه و اسماعیل بن ابی زیاد که درباره آنها توثیق خاصی نرسیده همه و همه باعث حجیت و عدم حجیت روایات می‌شوند. (همان، ۲۵۰-۲۵۱)

۴-۷. کثرت نقل حدیث در زمینه‌ای خاص قرینه‌ای برای شناخت راوی

از جمله مرجحات درونی، بررسی نوع روایات راوی است که در اکثر موارد منعکس کننده عقاید، جایگاه و علم او باشد. این روش در میان رجالیان پیشین همچون نجاشی و شیخ طوسی معمول بوده است و رجالیان متأخر نیز به آن توجه داشته‌اند. در این روش با در نظر گرفتن مجموع روایاتی که توسط راوی در کتب مختلف نقل شده، به فهم و نقد

می‌پردازند تا دریابند آیا اتهام یا اتهاماتی که برخی به او وارد کرده‌اند، در منقولات وی آثار آن - هرچند رگه‌هایی از آن - موجود است یا خیر. در واقع با این روش به اعتبار سنجی سخن رجالی پرداخته می‌شود تا درستی یا نادرستی اتهام براساس منقولاتش در کتب روایی شناخته گردد. برای مثال، یک راوی متهم به غلو است و در مقابل، دیگری او را عاری از این اتهام می‌داند. حال برای اثبات این اتهام باید روایات راوی را مورد بررسی و فهم قرار دهیم تا روشن گردد که آیا در روایات او دلالتی هر چند اندک بر اندیشه غالبی و وجود دارد یا خیر (فقهی‌زاده، ۱۳۹۶).

از این‌رو، این روش در میان برخی رجالیان معاصر همچون مرحوم بروجردی مورد توجه قرار گرفته و به عنوان مبنایی آن را پذیرفته است. به عنوان نمونه وی در طریق سندی که احمد بن هلال در آن قرار دارد نظر کشی مبنی بر مذمت وی را فاقد حجیت میداند و به دلایلی استناد می‌کند از جمله اینکه وی روایات زیادی در ابواب فقه دارد. (لنکرانی، نه‌ایه التقریر، ۳۷۸/۱)

۴-۸. اعتقاد به عدم اعتبار برخی نسبت‌های غلو

آیت الله بروجردی به مطلب بسیار مهمی در مورد غلو راویان توجه کرده و توجه دیگران را نیز برانگیخته است؛ این‌که بسیاری از آنان که متهم به غلوند، صاحبان عقاید متقن و صحیح می‌باشند اما برخی از شیعیان که خود در اعتقادات دچار قصورند پاره‌ای از عقاید صحیح را غلو و افراط می‌شمارند.^۱ و لذا می‌گویند؛ به بسیاری از غلو و افراط‌هایی که به اصحاب نسبت داده می‌شود التفاتی نمی‌شود. البته اتهام به غلو را در صورتی که غالی بودن راوی برای او محرز شود یکی از قرائین ضعف وی می‌دانند. اما به بسیاری از نسبت‌های غلو نیز بی‌اعتناست. مثلاً در طریق سند روایتی که محمد بن سلیمان دیلمی وجود دارد او را متهم به غلو و ضعف می‌دانند. (بروجردی، تبیان الصلاه، ۷۱) همچنین در

۱. برای مطالعه بیشتر ن.ک: درس خارج اصول استاد احمد عابدی، ۹۷/۰۲/۱۶، <https://www.eshia.ir/>

سند روایتی که معلی بن محمد در طریق آن است او را ضعیف می‌داند به دلیل اینکه جمع کثیری او را تضعیف کرده‌اند و متهم به غلو است. (لنکرانی، نهاییه التقرير، ۵۰/۲) به نظر می‌رسد این مسامحه ریشه در اختلاف نظر علما و متکلمان در تعیین مصادیق غلو دارد چه اینکه در برخی از روایات غالی را کسی معرفی کرده‌اند که عظمت خداوند را کوچک بشمارد (حر عاملی، ۴۶۲/۷) یا درباره ائمه چیزی بگوید که خودشان درباره خود نگفته‌اند (طوسی، رجال کشی، ۳۲۴/۱) برخی دیگر ادعای الوهیت برای ائمه (مفید، ۱۳۱ و ۱۳۶)؛ انکار مرگ امام علی علیه السلام و دیگر ائمه علیهم السلام (همان، ۳۰۷)؛ اعتقاد به تناسخ و یا ادعای علم غیب کلی برای ائمه (همان) را از مصادیق غلو برشمرده‌اند.

۹-۴. نقل بزرگان از راوی، قرینه‌ای بر وثاقت او

در بررسی موسوعه مرحوم بروجردی این نکته مشهود است که ایشان اکتشار روایت اجلاء را دال بر وثاقت مروی عنه می‌دانند. در جلد ۳ موسوعه ذیل سندی که عمران بن موسی در طریق آن است، پس از آنکه توثیقات نجاشی در مورد وی را ذکر می‌کند به سعد بن عبدالله که روایات زیادی از حسن بن علی زیتونی ذکر کرده اشاره کرده و آن را قرینه‌ای بر وثاقت وی برمی‌شمرد. (بروجردی، ۴۱۸/۳-۴۱۹)

همچنین در بررسی سند روایتی که احمد بن هلال در طریق آن است و کشی به نقل از ابن غضائری او را تضعیف کرده، کلام کشی را فاقد حجیت دانسته و یکی از دلایل را این نکته ذکر می‌کند که بزرگان اصحاب حدیث از او روایت کرده‌اند. (لنکرانی، نهاییه التقرير، ۳۷۸/۱). ایشان همچنین عدم نقل بزرگان از راوی را نشانه عدم وثاقت وی می‌دانند همچنانکه عدم نقل علماء بزرگ از "حسن بن محبوب" را به دلیل مخدوش بودن وثاقت او نزد آنها می‌دانند. (بروجردی، زبدة المقال فی خمس الرسول و الآل، ۵۶/۱)

۱۰-۴. استادان و شاگردان راوی؛ قرینه‌ای بر شناخت راوی

استادان و شاگردان راوی گاهی از قرائن مهمی است که در کنار متن روایت قرار

می‌گیرد زیرا برخی از راویان محدث اصرار داشته تا از هر کسی روایت اخذ نکنند همانطور که گاهی خود محدثان مصر بوده‌اند که بر هر کسی حدیث را واگو نکنند. (لنکرانی، سبک‌شناسی علمی تفصیل الشریعه، ۲۳۰-۲۳۲) مرحوم بروجردی از جمله دانشمندانی بود که استادان و شاگردان راوی را به عنوان قرینه‌ای مهم در اثبات یا رد وثاقت راوی در نظر می‌گرفت و افرادی مانند سعد بن عبدالله اشعری که شیخ طوسی درباره او نقل می‌کند: «روی عن ثقات و رووا عنه» را ثقه می‌دانسته است. (همان، ۲۴۹)

چنانکه در بررسی سند روایتی از محمد بن یحیی خزاز، سند آن را به این دلیل که از برخی افراد ضعیف نقل کرده و همچنین در سند روایت از عبارت (عن بعض أصحابنا) استفاده می‌کرده، در حالیکه اسم راوی را نمی‌آورد ضعیف دانسته است. (بروجردی، تبیان الصلاة، ۱۵۸/۱)

آیت الله بروجردی علاوه بر مبانی ذکر شده، در بحث توثیقات رجالی دارای مبانی دیگری همچون؛ «نقل روایت از طرق متعدد؛ قرینه‌ای بر صحت سند»،^۱ «دالات الفاظ ترحم و ترضی بر وثاقت و مدح راوی»^۲، «عدم اعتبار اقوال متاخرین بدون قرینه‌ای دیگر»^۳، «اعتقاد به ثقه بودن مشایخ صدوق و راویانی که صدوق روایت را به آنها آغاز می‌کند»^۴، «عدم باور به وثاقت تمامی اصحاب امام صادق (ع)»^۵، «اعتقاد به اعتبار اجماع متقدمین و مشایخ ثقات»^۶ می‌باشد که به دلیل محدودیت این نوشتار تنها به اهم مبانی رجالی ایشان که در شناخت راوی نقش دارد اشاره شده است.

۵- روش رجالی آیت الله بروجردی

به طوری که گذشت منظور از روش در این نوشتار مجموعه قواعدی است که در بررسی شخصیت راوی به کار می‌رود و لذا روش رجالی آیت الله بروجردی در اثبات جرح

۱. نک: اشتهااردی، تقریر بحث السید البروجردی، ۳۸/۲ و ۳۴۲.

۲. نک: همان، ۲۳۹-۲۴۰.

۳. نک: همان، ۲۵۱.

۴. نک: همان، ۲۴۰ و ۲۳۹.

۵. نک: صراف، ۲۸۵ و نیز نک: اشتهااردی، تقریر البحث السید البروجردی، ۲۰۹/۱.

۶. نک: ربانی، ۱۸۰ و نیز نک: لنکرانی، نهایه تقریر، ۱۷۶/۳ و ۲۷۹.

و وثاقت راویان حدیث به شرح زیر قابل ذکر است:

۵-۱. اتخاذ رویکرد تاریخی در مواجهه با اسناد

مرحوم بروجردی به واکاوی در شناسایی شخصیت فردی، پایگاه اجتماعی، علمی و حتی وابستگی سیاسی راوی و پی بردن به شرایط تاریخی و جغرافیایی نقل روایت اهتمام ویژه‌ای داشت.

اهمیت دادن به اصول متلقات و اعتبار شهرت‌های فتوایی موجود در کتب فتوایی متقدمین مانند صدوق، طوسی، مفید و... همچنین بررسی‌هایی رجال با استفاده از شیوه ابداعی خود در طبقه‌بندی طولی، تاریخی و نسل به نسل محدثان و فقیهان حاصل این نگاه است. او به عبور اسناد روایات از پاره‌ای از مقاطع تاریخی و رنگ و طعم‌هایی که در نتیجه هر عبور به خود گرفته نگاهی پرتأمل داشت و سند را به مثابه تاریخ حدیث می‌نگریست. تسلط وی به تراجم راویان به حدی بود که به گفته شاگردان گویا آنها را بزرگ کرده و می‌دانست از کبار و صغار کدام طبقه هستند، چند امام را درک کرده و یا چه تالیفاتی داشته‌اند. (محمد علی آبادی، ۸۳)

در حقیقت در مکتب رجالی آیت الله بروجردی بهره‌وری از تاریخ و رخداد‌های زمان راوی و مکان زندگی نقش کلیدی در بررسی صحت حدیث دارد و از این‌رو در مکتب او برخورد ریاضی گونه دو حالتی با آن چه رجالیان در توثیقات عام و تضعیفات بحث کرده‌اند جایی ندارد.

۵-۲. اولویت رجوع به کتب اربعه نسبت به سایر متون

مرحوم بروجردی به عدم کافی بودن کتب اربعه رجالی شیعه در اعتبارسنجی راویان اعتقاد داشت و در عین حال احادیث کتب اربعه را با احادیث سایر متون یکسان نمی‌دانست. این به معنای اخباری‌گری و قطعی‌الصدور بودن نیست، بلکه بدان معناست که کتب اربعه‌ای

که متداول و مشهور و در مجموع مورد عمل شیعه است را با یک کتاب دیگر، حتی از خود شیخ صدوق مثل کتاب «خصال»، یکی نمی‌دانست. (رحمان ستایش، ۸۲-۸۶)

ایشان در مورد کتب اربعه می‌فرمود مولفین اینها به صرف اینکه یک روایت در یک جایی آمده اعتماد نمی‌کردند بلکه اجازه روایت داشتند و پیش مشایخ و اساتیدشان این روایات را خوانده بودند مثلاً شیخ سند دارد تا کتاب بزنی، علاوه بر این که جامع بزنی نزد او بوده ولی تنها به آن اعتماد نمی‌کرده بلکه شیخ این روایات را مثلاً پیش مفید خوانده، مفید هم پیش این قولویه خوانده به همین شکل تا می‌رسد به خود بزنی ولی در غیر کتب اربعه اجازه روایت به این شکل نبوده لذا به کتب اربعه خیلی اعتماد داشتند. (همان)

همچنین معتقد بود این کتب توسط بزرگترین علما و محدثان نوشته شده‌اند و در تمام این ادوار، مورد مراجعه بوده و درحقیقت نوعی تواتر دارند و بارها تصحیح، تعلیق و شرح شده‌اند و در واقع مرجع فقهای ما بوده‌اند. بنابراین باید تفاوتی بین روایات کتب اربعه با روایات دیگری که صاحب وسائل یا صاحب مستدرک از غیر کتب اربعه آورده‌اند، قایل شویم. (واعظ‌زاده خراسانی، ۲۹۴) با این نگاه ایشان اولویت را در رجوع به کتب اربعه قرار می‌داد.

۵-۳. جامع نگری در نقل اقوال علمای رجال با در نظر گرفتن دوره‌های تاریخی از متقدمان به متاخران

مرحوم بروجردی در بررسی‌های رجالی خود به آراء دانشمندان متقدم و متأخر همچون کشی، نجاشی، شیخ طوسی، علامه حلی، مامقانی و ... استناد کرده و آنها را مورد بررسی و تتبع دقیق قرار می‌داد. به عنوان نمونه در بررسی سند روایتی در مورد موسی بن بکر الواسطی او را بنا به نظر شیخ طوسی در الفهرست و الرجال و علامه حلی در خلاصه الاقوال واقعی می‌داند و لذا روایت را موهن می‌شمارد. وی در بررسی این سند عدم تعرض نجاشی و کشی نسبت به مذهب این فرد را دلیل بر امامی بودن وی نمی‌داند و با استناد به آرای شیخ طوسی، علامه حلی و مامقانی روایت را غیرموثق می‌خواند. (بروجردی، تبیان الصلاة، ۲/۲۰۴)

در سرتاسر آثار وی این تتبع دقیق و همه جانبه را می‌توان به وضوح دید. هر کدام از اظهارنظرهای رجالی عالمان متقدم و متاخر به مانند قطعه پازلی وی را به واقعیت نزدیک می‌کند.

۵-۴. اعتماد به گزارش‌های رجالیان و اقوال و استنادات علمای اعلام

همانطور که پیشتر گفته شد، مرحوم بروجردی اعتقادی به انسداد باب علم و حجیت تبعیدی خبر نداشت اما از باب اعتقاد به قانون عقلایی تجميع قرائن همواره در توثیق به گفته اعلام متقدم همچون برقی، ابن قولویه، کشی، صدوق، مفید، نجاشی، شیخ طوسی، نجاشی و... استناد کرده و شخص را ثقة قلمداد می‌کرد به این دلیل که ادله حجیت خبر واحد و در راس آن بنای عقلا را شامل احکام و موضوعات هر دو می‌دانست؛ در نتیجه، روش ایشان در بهره‌گیری از توثیقات خاص، استناد به اقوال متقدمین است که معتبرترین این گزارش‌ها از رجالیان متقدم به ویژه صاحبان اصول اولیه رجالی صادر شده است.

به عنوان نمونه در بررسی سند روایتی که در طریق آن علی بن محمد قرار دارد درباره او می‌گوید: که از شیخ طوسی نقل شده که او فرد فاضلی بود که کشی به او اعتماد میکرد و از شاگردان فضل بن شاذان بود و همچنین علامه در خلاصه الاقوال و سید داماد او را بسیار ستوده‌اند. (اشتهدادی، تقریر بحث السید بروجردی، ۲۵۱)

همچنین روایت مرسلی که شیخ طوسی و نجاشی به آن طریق دارند را مسند می‌داند. (بروجردی، تبیان الصلاة، ۱۰۰/۱) و در جای دیگر نقل وثاقت فردی را توسط نجاشی از دلایل وثاقت او برمی‌شمرد. (همان، ۱۳۶) به طور کلی در جای جای آثار وی می‌توان نظرات اعلام متقدم را به عنوان قرینه وثاقت یا عدم وثاقت راویان دید. البته در صورتیکه با سایر داده‌های رجالی نیز سازگار باشد.

۵-۵. بررسی‌های اجتهادی در علم رجال

آیت الله بروجردی قائل به وثاقت تمامی راویانی است که قراین بر وثاقت آنها جمع

است. این راه از اطمینان بخش‌ترین طرق و محکم‌ترین آنهاست که در مکتب شیخ انصاری و وحید بهبهانی نیز به صورت جدی وجود دارد. وی از آن‌رو که قائل به انسداد باب علم در رجال نبود؛ تقلید در رجال را برای فقیه و دین‌شناس شایسته نمی‌دانست و خود به بررسی دقیق اسناد و طبقات رجال می‌پرداخت.

از سویی بررسی متن و سند احادیث به منظور شناخت راویان و طبقات آنان تا حدی اجتهادی و استدلالی به شمار می‌آید اما با وجود دشواری‌ها؛ این راه را گشوده می‌دید چرا که کتب رجالی موجود را به عنوان منابع کافی و جامع تمام اسامی راویان و شرح احوال و معرفت شئونشان نمی‌دانست. این نگاه آیت‌الله بروجردی را از تمسک به حجیت ظن رجالی بی‌نیاز می‌کرد. این روش متوقف بر وجود شایستگی‌هایی در محقق رجالی همچون تسلط بر طبقات روات، توجه به خصوصیات راوی از حیث مشایخ و تلامیذ و کمیت روایات او و میزان ضبط راوی است که مرحوم بروجردی واجد این توانایی‌ها بود.^۱

۵-۶. بررسی نسخه‌های مختلف و مقایسه اسناد با یکدیگر

بررسی نسخه‌های مختلف و مقایسه اسناد کتب رجالی یکی دیگر از روش‌های آیت‌الله بروجردی در رسیدن به روایات صحیح است. وی با مقابله میان نسخه‌ها و انتخاب آن چه به نظرش صواب می‌رسید در معالجه اسناد می‌کوشید. او به دلیل حفاظت بر امانت نقل و باز بودن مجال برای تحقیق و اعمال نظر آیندگان منقولات را تغییر نمی‌داد اما پس از یافتن نسخه‌های مختلف در مرحله بعد اختلاف را تذکر داده و در نهایت پس از مقابله نسخه‌ها به نسخه ممتازی که به مصحح بودن آن تصریح می‌کرد ملتزم می‌شد و آن چه از تصحیف و خطا در آن آورده شده نقل کرده و سپس وجوه تعدیل و تصویب را ذکر می‌کرد. (صراف، ۲۱۷)

به عنوان مثال در مورد یکی از اسناد کافی می‌گوید؛ از نسخه‌ای که در سال ۱۳۱۵ ه.ش در تهران چاپ شده این سند با متنش افتاده است اما در سایر نسخه‌های کافی موجود

۱. برای مطالعه بیشتر نک: اخوان صراف، زهرا، ۲۵۰-۲۵۲.

است. (بروجردی، ترتیب اسانید کافی، ۳۶۱)

گاه یادآور اختلال و زیادی در سند می‌شد؛ مثلاً در جایی می‌گوید (این سند موافق نسخه صحیح خطی از کتاب اصول کافی است اما در نسخه چاپی اختلال و زیاده هست. همان، ۴۲۷)

گاه به احتمالات اشاره می‌کرد اما وجهی را ترجیح نمی‌داد مثلاً ذیل یکی از سندهای نجاشی می‌نویسد این سند مضطرب است و نمی‌دانم عثمان بن عیسی در سند چه دخالتی دارد. (بروجردی، رجال اسانید فهرست نجاشی، ۴۴۸)

۵-۷. مراجعه به کلیه منابعی که دربردارنده اطلاعاتی درباره راوی است

در گذشته، سیر اقوال در مسأله، مخصوصاً اقوال قدما مورد تتبع کافی قرار نمی‌گرفت و به نقل دیگران اکتفا می‌گردید.

آیت الله بروجردی، دقیقاً سیر اقوال مخصوصاً اقوال قدما را با رجوع به کتبشان بررسی می‌کرد.

ایشان در رجال نیز صرفاً، به دیدن یک کتاب رجالی و تکیه به قضاوت آن در صحت و ضعف روایت اکتفا نمی‌کرد بلکه با رجوع به کتب مختلف، بررسی اقوال مختلف و سایر شیوه‌های رجالی، مجتهدانه، وضعیت هر راوی را مورد بررسی قرار می‌داد. از برکات این روش شناسانده شدن کتب قدیمی و مهم همچون مفتاح الکرامه^۱ بود که تا پیش از آن مورد استفاده پژوهشگران قرار نمی‌گرفت. (منتظری، خاطرات، ۱/۱۳۰)

به طوری که به گفته یکی از شاگردان، از حقوقی که مرحوم بروجردی بر حوزه‌های علمیه دارد همین است که مراجعه به کتب رجال و تراجم و سایر اطلاعات مورد نیاز را که در حوزه‌های متروک شده بود، مجدداً رواج داد.

۱. کتاب مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه علامه نوشته سید محمد جواد بن محمد حسینی شقرائی عاملی نجفی (م ۱۲۲۶ ق) به زبان عربی و در موضوع فقه استدلالی است.

۵-۸. اهتمام به بررسی‌های دقیق سندی در کنار سایر قرائن و کشف ضعف‌های غیر ظاهری

بررسی‌های سندی در کنار سایر قرائن جایگاه ویژه‌ای در مکتب رجالی مرحوم بروجردی داشت. ایشان با مهارت بالای خود و با تتبع فراوان به کشف ضعف‌های غیر ظاهری و اسانید معلوله رسیده بود و به نکات ظریفی می‌رسید که به راحتی قابل کشف نبود به طوری که حتی منزلت و جایگاه راوی در امر حدیث و مذهب، ملیت و قومیت وی را روشن می‌کرد.

به عنوان نمونه در سند روایتی در تهذیب چنین آمده است: سلیمان بن سماعه عن عمه عن جعفر، (طوسی، تهذیب الاحکام، ۲۸۱/۳) سید در حاشیه می‌نویسد: او سلیمان بن سماعه الضبی الکوزی است که گاه اسم وی به سلیم ترخیم می‌شود و عمویش عاصم الکوزی است و اینکه از امام علیه السلام با اسم تعبیر میکند شاهد بر عامی بودن اوست. (بروجردی، رجال اسانید فهرست نجاشی، ۲۹۱)

همچنین در بررسی سند دیگری که ابن نوح سیرافی در طریق آن است، ضمن توثیق و تأکید بر اتقان وی در روایت، او را واسع الروایه دانسته؛ با این حال ذکر کرده که مذاهب فاسد از وی در مسائل کلامی نقطه‌نظرهایی خاص همچون قول به رؤیت خداوند نقل کرده‌اند اما در نهایت بر توثیق وی تأکید کرده است. (بروجردی، رجال اسانید الکشی، ۲۰۱-۲۰۲)

گاه برخی الفاظ سند را غلط و نامتعارف می‌شمرد و در بسیاری از موارد به روش‌های رایج نزد محدثان مثل استناد به جد یا کنیه دست می‌یافت. اینکه یک راوی از یک امام معصوم با اسم تنها تعبیر کند را نشانه عامی بودن او می‌دانست. در برخی موارد نیز با توجه به سیاق سند احتمال ارسال را رد و دنبال راه دیگری برای توجیه سند می‌گشت. (همان، ۲۳۱)

۵-۹. ورود استدلالی به مباحث تا حصول به نتیجه

مرحوم بروجردی در بررسی اسناد ورود استدلالی داشت و مسائل مهم اختلافی را تا

حصول به نتیجه ردیابی می‌کرد. به عنوان نمونه در اثبات ضعف سند روایتی در باب لباس مصلی، سند را از ابعاد مختلف بررسی و به چند دلیل آن را در غایت ضعف دانسته و می‌گوید؛ اولاً عبدالله بن إسحاق علوی مجهول است و در کتب رجال توثیق نشده و ثانیاً حسن بن علی مجهول و مشترک است و ثالثاً محمد بن سلیمان دیلمی متهم به غلو و ضعف است ضمن اینکه روایات زیادی از وی نقل نشده و همچنین شیوخ و شاگردان وی معروف و مشهور نبوده‌اند و به همین دلیل وثاقتش اثبات نمی‌شود و رابعا در سند روایت اگر منظور از قریب، غریب باشد در اینصورت روایتی از وی دیده نشده است و ذکر و نامی در کتب رجال از وی برده نشده است و همچنین این احتمال وجود دارد که منظور از قریب با غاف، غین، فاء و یا حتی تاء باشد. سید بروجردی در آخر با در نظر گرفتن همه احتمالات می‌گوید این روایت از حیث سند در غایت ضعف قرار دارد. (بروجردی، تبیان الصلاة، ۷۱/۴)

وی در بررسی سند روایت دیگری در خصوص خواندن نماز در لباسی حریر و ابریشم که نماز در آن تمام نمی‌شود، مانند بند شلوار و عرقچین... به بررسی روایتی از شیخ طوسی پرداخته و با بررسی دقیق و بحث‌های استدلالی، روایت را از جهت سند ضعیف و از جهت استدلال صحیح می‌داند. (همان، ۱۲۲)

۵-۱۰. تلاش برای جمع توثیق و تضعیف

یکی از تلاش‌های مرحوم بروجردی تلاش برای جمع میان تعارضات است؛ به عنوان نمونه درباره احمد بن محمد بن عیسی اشعری، بعد از آنکه بیان می‌کند که او شیخ قمی‌ها و وجه و فقیه ایشان بود؛ مفصلاً به توصیف و توثیق او می‌پردازد سپس می‌کوشد تا مواردی که در تضعیف او آورده است با توثیق وی به این شکل جمع کند که آنچه از خیران خادم نقل شده که احمد بن محمد بن عیسی شهادت بر وصیت ابوجعفر علیه السلام را کتمان کرد تا این‌که...، اگر ثابت شود لغزشی بوده که در جوانی از او سرزده است و صلاحیت برای معارضه با آن چه بر عدالت او در کمال سنی‌اش که شیوخ از وی حدیث می‌گرفتند، دلالت

می‌کند ندارد، چرا که در طول زندگی انسان حالات بسیار مختلفی برای او پیش می‌آید.
(صراف، ۳۳۸-۳۳۹)

علاوه بر روش‌های ذکر شده، آیت الله بروجردی در بحث توثیقات رجالی دارای روش‌های دیگری همچون؛ توسعه اسناد رجال با طرح و تبیین اندیشه طبقات^۱، اغماض از مذهب انحرافی راوی به شرط توثیق^۲، توجه به شخصیت رجالی در حل تعارض جراح و معدل^۳ می‌باشد که به دلیل محدودیت این نوشتار تنها به اهم روش‌های رجالی ایشان که در شناخت راوی نقش دارد اشاره شده است.

۶- نتایج مقاله

۶-۱. در رویکرد رجالی آیت الله بروجردی اهم مبانی ایشان در شناخت راوی عبارتند از: اعتقاد به ضرورت علم رجال در شناخت احوال راویان، عدم اعتقاد به اصل انسداد در اثبات عدالت راوی، اعتقاد به اعتبار کتب رجالی متقدمان به عنوان اسناد معتبر علمی، اعتقاد به کافی نبودن کتب اربعه برای شناخت و معرفی راویان، میزان نقل روایت قرینه‌ای در شناخت راوی، اخذ روایت از راویان شناخته شده نشانه وثاقت راوی، کثرت نقل حدیث در زمینه‌ای خاص قرینه‌ای برای شناخت راوی، بی‌اعتنایی به برخی نسبت‌های غلو، دلالت نقل بزرگان از راوی، نشانی بر وثاقت او، میزان استادان و شاگردان راوی قرینه‌ای بر شناخت راوی.

۶-۲. در رویکرد رجالی آیت الله بروجردی اهم روش‌های ایشان در شناخت راوی عبارتند از: اتخاذ رویکرد تاریخی در مواجهه با اسناد، اولویت رجوع به کتب اربعه نسبت به سایر متون، جامع نگری در نقل اقوال علمای رجال با در نظر گرفتن دوره‌های تاریخی از متقدمان به متاخران، اعتماد به گزارش‌های رجالیان و اقوال و استنادات علمای اعلام،

۱. نک: بروجردی، ترتیب اسانید الکافی، ۱۱۱-۱۱۴ و نیز: نک: همو، موسوعه الرجالیه، ۳۳۳ و ۱۲۹.

۲. نک: بروجردی، تبیان الصلاه، ۲۹۵/۲ و نیز: نک: لنکرانی، نهاییه التقرير، ۳۷۸/۱-۳۷۹.

۳. نک: اشتهااردی، تقریرات ثلاث، ۴۱۹ و ۴۲۰.

بررسی‌های اجتهادی در علم رجال، بررسی نسخه‌های مختلف و مقایسه اسناد با یکدیگر، مراجعه به کلیه منابعی که دربردارنده اطلاعاتی درباره راوی است، اهتمام به بررسی‌های دقیق سندی در کنار سایر قرائن و کشف ضعف‌های غیر ظاهری، ورود استدلالی به مباحث تا حصول به نتیجه، تلاش برای جمع توثیق و تضعیف.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم
۲. ایزدپناه، عبدالرضا و دیگران؛ چشم و چراغ مرجعیت، چاپ دوم، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۸ ه.ش.
۳. اخوان صراف، زهرا، مکتب اجتهادی آیت الله بروجردی، موسسه بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۷ ه.ش.
۴. حر عاملی، محمد بن حسن؛ اثبات الهداه بالنصوص و المعجزات، چاپ اول، موسسه الأعلمی للمطبوعات، لبنان، ۱۳۸۲ ه.ش.
۵. حسینی جلالی، محمدرضا؛ المنهج الرجالی و العمل الرائد فی الموسوعه الرجالیه، چاپ دوم، موسسه بوستان کتاب، قم، ۱۴۱۳ ه.ق.
۶. دوانی، علی؛ زندگی نامه زعیم بزرگ عالم تشیع آیت الله بروجردی، چاپ سوم، نشر مطهر، تهران، ۱۳۷۲ ه.ش.
۷. رزاقی، ابوالحسن، بررسی تطبیقی نقش مذهب راوی در وثاقت و عدم آن، دو فصلنامه علمی مطالعات مقارنه‌ای مذاهب اسلامی، سال اول، شماره ۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۹
۸. ربانی، محمد حسن، سبک شناسی دانش رجال الحدیث، مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، قم، ۱۳۸۵ ه.ش
۹. رحمان ستایش، محمد کاظم، نگاه قدما به وثوق صدور در اعتبارسنجی روایات، رهنامه پژوهش، شماره ۲۳ و ۲۲، بهار و تابستان ۱۳۹۵.
۱۰. سبحانی، جعفر؛ کلیات فی علم الرجال؛ دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، چاپ دوم، قم، ۱۴۱۵ ه.ق.
۱۱. همو؛ سیمای فرزندگان، موسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق (ع)، ۱۳۸۹.
۱۲. صرامی، سیف الله، مبانی حجیت آرای رجالی، موسسه فرهنگی دارالحدیث، چاپ ششم، ۱۳۹۵ ه.ش.
۱۳. طوسی، محمد بن الحسن؛ اختیار معرفه الرجال (رجال کشی)، تحقیق میرداماد، محمداقر حسینی، مهدی الرجائی، ج ۲، موسسه آل البیت، قم ۱۴۰۴ ق.
۱۴. همو؛ تهذیب الأحکام، ج ۱۰، چاپ چهارم، دارالکتاب الإسلامیه، تهران ۱۴۰۷ ه.ق.
۱۵. محمدمحسن بن علی، منزوی تهرانی (آقا بزرگ تهرانی)؛ طبقات اعلام الشیعہ، تحقیق علی نقی منزوی، چاپ دوم، موسسه اسماعیلیان، قم، ۱۳۷۲ ه.ش.
۱۶. طباطبایی بروجردی، حسین؛ موسوعه رجالیه، ج ۷، تنظیم حسین نوری همدانی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد ۱۴۱۴ ه.ق.
۱۷. همو؛ زبده المقال فی الخمس الرسول و الآل، تقریر سید عباس حسینی قزوینی، چاپخانه علمیه قم، ۱۳۸۰ ه.ق.
۱۸. همو؛ نهاییه الاصول، تقریر حسینعلی منتظری، چاپ اول، نشر تفکر، قم، ۱۴۱۵ ه.ق.
۱۹. همو؛ نهایتہ التقرير فی مباحث الصلاه، ج ۳، تقریر فاضل لنکرانی، مرکز فقه ائمه اطهار علیهم السلام، قم، ۱۴۲۰ ه.ق.
۲۰. همو؛ تقریر بحث السید البروجردی، ج ۲، تقریر شیخ علی پناه اشتهاردی، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم ۱۴۱۶ ه.ق.
۲۱. همو؛ تقریرات ثلاث (للبروجردی)، ج ۲، تقریر شیخ علی پناه اشتهاردی، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم ۱۴۱۶ ه.ق.
۲۲. همو؛ تقریرات فی اصول الفقه، تقریر شیخ علی پناه اشتهاردی، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۶ ه.ق.
۲۳. همو؛ تبیان الصلاه، ج ۸، تقریر علی صافی گلپایگانی، چاپ اول، گنج عرفان، ۱۳۸۴ ه.ش.

۲۴. همو؛ البدر الزاهر فی صلوه الجمعة و المسافر، تقرير حسينعلى منتظري، چاپ سوم، مکتب آیت الله منتظري، قم ۱۴۱۶ق.
۲۵. همو؛ الاحاديث المقلوبه و جواباتها، ملحق کتاب المنهج الرجالي و العمل الرائد فی الموسوعه الرجاليه، چاپ دوم، موسسه بوستان کتاب، قم، ۱۴۲۲ ق.
۲۶. همو؛ زبده المقال فی الخمس الرسول و الآل، تقرير سيد عباس حسيني قزويني، چاپخانه علميه، قم، ۱۳۸۰ ق.
۲۷. علوی طباطبائی، محمد حسین؛ خاطرات زندگی آیت الله بروجردی، سازمان چاپ و انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۴۱ ه.ش.
۲۸. عاملی، محمد جواد؛ مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، تصحيح و تحقيق شيخ محمد باقر خالصی، چاپ اول، انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين، قم، ۱۴۱۹ ه.ق.
۲۹. فتاحی زاده، فتحیه، روش آیت الله خویی در تعامل با اصول اولیه رجالی، رهیافتهای درعلوم قرآن و حدیث، سال چهل و هشتم، شماره ۲، شماره پیاپی ۹۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۵.
۳۰. فقهی زاده، عبدالهادی، بررسی مبانی رجالی علامه شوشتری در قاموس الرجال، دو فصلنامه علمی پژوهشی «مطالعات قرآن و حدیث»، سال دهم، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۶.
۳۱. کلینی رازی، محمد بن یعقوب، چاپ چهارم، دار الکتاب اسلامي، تهران، ۱۳۶۵ ش.
۳۲. لنکرانی، محمدفاضل، سبک شناسی علمی تفصیل الشریعه (با نگاه به مکتب آیت الله بروجردی و امام خمینی)، انتشارات مرکز فقهی ائمه اطهار س، ۱۳۹۸.
۳۳. لک علی آبادی، محمد، الگوی زعامت، چاپ هفتم، هنارس، ۱۳۸۹ ه.ش.
۳۴. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، تصحيح الاعتقادات الامامي، چاپ دوم، کنگره شيخ مفيد، قم، ۱۴۱۴ ه.ق.
۳۵. مامقانی، عبدالله؛ مقباس الهدایه، تحقيق شيخ محمد رضا مامقانی، موسسه آل البيت لإحياء التراث، قم ۱۴۱۱ ق.
۳۶. منتظري، حسينعلى، خاطرات، چاپ اول، دفتر آیت الله منتظري، ۱۳۷۹ ه.ش.
۳۷. نجاشی، احمد بن علی؛ رجال نجاشی، تحقيق سيد موسوی شبیری زنجانی، چاپ پنجم، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين، قم ۱۴۱۶ ه.ق.
۳۸. واعظ زاده خراسانی، محمد؛ زندگی آیت الله بروجردی و مکتب فقهی اصولی حدیثی و رجالی وی، چاپ اول، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامي، تهران، ۱۳۷۹ ش.
۳۹. همو؛ گفت و گو با «علوم حدیث»، سال سوم، شماره ۹.

پایگاه اینترنتی

40. <https://www.eshia>.

41. <https://fa.wikifeqh.ir>

